

می شوهر هست ، وبعد از عمل معلوم شد از سوهر نیست ، اسکالی نیست ، ولی اگر از روی علم و عمد باشد محمل انکال است . و اگر این نحو دختر باشد بدر نمیتواند اورا سه ری بگرد ، و اگر پسر باشد نمیتواند مادرش را سکرد .

(آية الله حبيبي ، توضیح
المسائل ، احکام نکاح
و متعه و طلاق و مسائل
متفرقه رسالوثقی)

در احکام دخول بر زن

و آن بر پینجاه و یک وجه است : سه وجه واجب و اجنب و شائزده وجه حرام و پنج وجه سنت و بیست و هفت وجه مکروه . اما سه وجه واجب : اول دخول کردن بعد از چهار ماه ، چه هرگاه چهار ماه بگذرد و به زن خود دخول نکند واجبست که بعد از آن دخول کند بر او بی عذر شرعی . دوم هرگاه شخصی قسم خورد که با زن خود دخول نکند در اینصورت آن زن معامله خود را به حاکم شرع عرض میکند و حاکم شرع تا چهار ماه آن شخص را مهلت میدهد و مخیر میسازد میانه دخول کردن یا کفاره دادن و یا طلاق دادن آنگاه بر او واجب میشود دخول کردن . سوم هرگاه کسی با زن خود گوید که پشت تو همچون پشت مادر من است . در این صورت آن زن حال خود را به حاکم شرع عرض میکند و حاکم شرع تا سه ماه او را مهلت میدهد ،

آنگاه واجبست بر او دخول کردن با کفاره با طلاق دادن .
 اما شائده وجه حرام : اول اگر شخص کسی زن
 دیگری را به شبهه دخول کند (!) شوهر آن زن را دخول
 کردن بآن زن حرام است با آنکه از عده دخول گسسته
 بیرون رود . دوم هرگاه به سب دخول کردن به حصر
 غیربالغ محرج بول و غایط یا مخرج حیض و بول او بکسی
 شود ، دخول کردن با او حرام است . سوم هرگاه کسی به
 زن خود گفته باشد که پشت تو همجو نیست مادر من است ،
 پیش از آنکه کفاره بدهد دخول کردن حرام است . چهارم
 دخول کردن به یکی از زنان درسی که نوبت زن دیگری
 باشد بی اذن زنی که نوبت او باشد ، پنجم دخول
 کردن به کنیز حامله ای که خریده باشد پیش از آنکه
 چهار ماه از حمل او بگذرد حرام است ، اما ریختن منی
 در بیرون از فرج او حرام نیست . ششم هرگاه کنیزی
 را بخرند پیش از آنکه آن کنیز یک حیض ببیند یا جهمل
 و پنجروز از وقت خریدن او بگذرد دخول کردن با او حرام
 است ، و آیا در این مدت دست مالیدن با او نیز حرام است
 یا نه ؟ میانہ محتهدین در آن اختلاف است .
 و اما پنج وجه مستحب : اول مطلق دخول کس کردن
 با زن خود که در همه حال مستحب است . دوم دخول کردن
 در شب اول ماه رمضان ، سوم دخول کردن در شب دوشنبه
 و سه شنبه و پنجشنبه و جمعه بعد از خفتن ، چهارم دخول
 کردن در روز پنجشنبه در وقت ظهر ، پنجم دخول کردن
 در روز جمعه بعد از عصر .
 و سنت است دخول کردن در شب ، و در وقت دخول و بعد
 از دخول بسم الله الرحمن الرحيم گفتن ، و با وضو

بودن هریک از زن و شوهر ، و منی را در خارج فرج ریختن هرگاه کنیز حامله‌ای حریصه باشد و بعد از چهارماه خواهد که با او دخول کند ، و حشم خود را در وقت جماع بوسدن .

و اما از آن بیست و هفت وجه مکروه : اول برهه دخول کردن . دوم دخول کردن در کشتی یا حائی که سقف نداشته باشد یا در زیر درختان میوه دار . سوم دخول کردن بعد از آنکه محنم شده باشد پیش از آنکه وضو بسازد یا غسل کند ، چه در حدیث آمده که اگر کسی بعد از آنکه محنم شده باشد وضو بساخند یا غسل نکرده با زن خود دخول کند فرزندی که حاصل شود دیوانه باشد .

چهارم دخول کردن از وقت طلوع صبح تا آمدن آفتاب . پنجم دخول کردن در وقت زردی طلوع آفتاب . ششم دخول کردن در وقت ظهر ، مگر در روز پنجشنبه که سنت است .

هفتم دخول کردن در آخر روز وقتی که آفتاب زرد باشد . هشتم دخول کردن بعد از غروب آفتاب تا بر طرف شدن شفق . نهم دخول کردن در شب اول هر ماه مگر در شب اول ماه رمضان که سنت است ، و همچنین مکروه است دخول کردن در اول ساعت شب . دهم دخول کردن در نیمه هر ماه خصوصاً نیمه شعبان . یازدهم دخول کردن در آخر هر ماه ، چه در حدیث آمده که اگر فرزندی در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه صورت ببندد از شکم بیفتد و اگر نیفتد دیوانه گردد . دوازدهم دخول کردن در وقتی که ماه یا آفتاب گرفته باشد یا بادهای سیاه و سرخ و زرد ترسناک بوزد یا زلزله باشد . سیزدهم دخول

کردن در سفر هرگاه آب یافت نشود، و اما در حضر نیز اگر آب نباشد دخول کردن آیا مکروه است یا نه؟ میانسه مجتهدین درین باره خلاف است. چهاردهم دخول کردن در مقعد زنان، و حتی بعضی از مجتهدین شیعه این را حرام دانسته‌اند. پانزدهم دخول کردن به زنی که از زنا بهم رسیده باشد، خواه عقد باشد و خواه او را خریده باشند. شانزدهم دخول کردن در شب عید قربان. هفدهم دخول کردن در فاصله ادای اذان و اقامه. هجدهم دخول کردن در شبی که روز آن از سفر آمده باشد. نوزدهم دخول کردن در شبی که روزش به سفر رود. بیستم دخول کردن در زنی به اشتهای غیر آن.

— و مکروه است دخول کردن برکنیز هرگاه طفلی آنجا باشد که نگاه کند، و وطی کنیز فاجره و کنیزی که از زنا بهم رسیده باشد جایز است، و منی در غیر فرج کنیز ریختن نیز جایز است، و صاحب کنیز میتواند بدیگری دخول کردن در کنیز خود را حلال کند و این قسم از خواص فرقه ناجیه اثنی عشریه است. درین صورت وطی کردن کنیز به مجرد گفتن صاحبش که دخول کردن او را بر تو حلال کردم حلال میشود و تعیین مدت شرط نیست. پس اگر بوسه دادن یا دست مالیدن به بدن او را حلال کند دخول کردن با او جایز نیست، اما اگر دخول کردن را حلال کند بوسه دادن و دست مالیدن به بدن او جایز و حلال است.

تتمه، در احکام دخول کردن به شیعه، و آن بر سه قسم است: اول چنانچه زنی را در جامه خواب خوابود بپند و گمان کند که زن او است (!) به او دخول کند.

دوم نسبت به کسیکه دخول به او واقع شده باشد چون دخول کردن کنیز مشترک یا مکاتب یا ام ولد . سوم نسبت به مأخذ حکم ، چون دخول کردن به زنی که از زنا مخلوق شده باشد ، که چون میانه مجتهدین در حرام بودن دخول با او اختلاف است پس در این صورت اگر با ودخول کند دخول به شبهه خواهد بود . و اگر به زن شخصی به گمان آنکه زن خود او است دخول کند فرزندى که از او حاصل شود فرزند اوست ، اما اگر دانسته دخول کند نسبت به هم نمیرسد . و حرام میشود مادر آن زن و دخترا و برکسى که به شبهه به آن زن دخول کرده باشد ، بشرط اینکه زن نیز جاهل باشد . و در هر موضعی که نگاه کردن به زن حرام است دست مالیدن به او نیز حرام است ، اما زنی را که دست مالیدن با او حرام است نگاه کردن به او لازم نیست که حرام باشد . اما گاه هست که دست مالیدن بزنی جایز است و نگاه کردن با او مکروه ، چون دست مالیدن به زن خود و نگاه کردن به فرج او ، که نگاه کردن به فرج مکروه است .

— از احکام مترتبه بر دخول کردن : اول واجب است تعزیر کردن مردی که زن مرده خود را دخول کند .

دوم هرگاه شخصی مرتد شود و بعد از خروج از اسلام با زن خود دخول کند لازم است که مهر او را بدهد . سوم اگر منی خود را در بیرون فرج زن دائمی بریزد بی اذن او ، واجبست که ده مثقال طلا به او بدهد . چهارم هرگاه زنی نام مهرنبرد و شوهر او را پیش از دخول کردن و مشخص ساختن مهر طلاق دهد واجب است بر شوهر که اگر مالدار باشد جامه نفیسی که ده مثقال طلا آرزو یا

اسی کہ قیمت او ده مثقال طلا باشد یا زن بدهد، و اگر مفلس باشد انگشتی طلا یا نقره بدهد (!) ششم واجب است گشتن و سوختن حیوان مأكول اللحم که با او دخول کرده باشند .

و جمیع این احکامی که مذکور شد قبل و دبیر در آنها شریکند . و احکامی که بر دخول کردن مترتب میشود مبیاید که در آن مقدار باشد که تمام حشفه یا قسمتی از آن در جلو یا عقب غایب شود . و آیا این احکام نسبت به کسی که حشفه او را بریده باشند نیز مترتب میشود یا نه ، میانہ مجتہدین در این مسئلہ اختلاف است (!) . ظاہر آن است کہ این احکام در او جاری نیست مگر در حرام شدن مادر و خواہر دختری کہ با او دخول کند .

و طلب سخن کردن زن در نکاح کردن هنگامی لازم است کہ دخول در قبیل او واقع شود، و اگر در دُبُر واقع شود لازم نیست . و بیرون آمدن منی از قبیل موجب غسل است بر قول بعضی از مجتہدین ، اما بیرون آمدن آن از دُبُر موجب غسل نیست .

(جامع عباسی ، باب یازدهم ،
دخول واجب و حرام و سنت و شمه)

در سایر احکام جماع

— و اما در باب جماع احادیث معتبره بسیار است کہ مؤمن را وقوف بدانها ضرور است . و از اہم آنهاست آنچه در این بارہ از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شدہ است . و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل شدہ است کہ حضرت رسالت پناہ صلی اللہ

علیه وآله به حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام وصیت فرمود کہ : " یا علی ! چون زن تازه ای اختیار کسردی و داخل خانه تو شد ، از درب درخانه تا انتهای خانه آب بیاش کہ چون چنین کنی خدا هفتاد ہزار نوع رحمت بر تو بفرستد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خورہ و پیسی تا درخانه تو باشد ، و منع کن اورا تا ہفت روز از خوردن شیر و سرکہ و گشنیز و سیب ترش . "

و پس فرمود : یا علی ! ایستادہ بازن خود جماع مکن کہ آن فعل خران است ، و اگر فرزندی بہم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند ، یا علی ! در شب عید فطر جماع مکن کہ اگر فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظہور آید ، و در شب عید قربان جماع مکن کہ اگر فرزندی بہم رسد شش انگشت یا چہار انگشت در دست داشتہ باشد ، و در شب نیمہ شعبان و در روز آخر شعبان جماع مکن کہ اگر فرزندی حاصل شود در رویش نشان سیاہی باشد یا ہلاک بسیاری از مردم بردست او حاصل شود . یا علی ! در زیر درخت میوہ دار جماع مکن کہ اگر فرزندی بہم رسد جلاد و کشنده مردم باشد ، و در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکہ پردہ ای بپاویزی ! یا علی ! در میان اذان و اقامہ جماع مکن کہ اگر فرزندی بوجود آید جری باشد در خون ریختن . یا علی ! چون زنیست حاملہ شود بی وضو با او جماع مکن کہ اگر چنین کنی فرزندی کہ بہم رسد کوردل و بخیل باشد . یا علی ! بر پشت بام جماع مکن کہ اگر فرزندی بہم رسد منافق و ریا کار و بدعتگذار باشد . یا علی ! در شب دوشنبہ جماع بکن کہ اگر فرزندی بہم رسد حافظ قرآن باشد ، و در شب سہ شنبہ جماع بکن کہ اگر فرزندی بہم رسد اورا شہادت روزی شود و دہانش خوشبو باشد ، و اگر در شب پنجشنبہ جماع کنی و فرزندی بہم رسد حاکمی از حکام شریعت یا

عالمی از علماء باشد ، و اگر در رور سحنته و سنکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندى بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا برشود ، و اگر در شب جمعه جماع کنی و فرزندى بهم رسد خطب و سخنگو باشد ، و اگر در روز جمعه بعد از ظهر جماع کنی و فرزندى بهم رسد از دانا یان مسهور باشد ، و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست آن فرزند از ابدال باشد . یا علی ! در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندى بهم رسد سا که ساحر باشد . و نه فیرج زن خود نگاه مکن که باعث کوری فرزند شود ، و در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندى حاصل شود سا که لال باشد . و همه این وصیت را از من بیاموز ، چنانکه من آنرا از حضرت جبرئیل آموختم .

(حلیة المتقین ، باب چهارم ، فصل چهارم)

— بدان که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند ، و فرمود هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند . و فرمود که بیاموزید از کلاغ جماع کردن پنهان را ، و فرمود که مکروه است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب ، و در آن روزی که آفتاب در آن روز بگیرد ، و در شبی که در آن شب ماه بگیرد ، و در شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود ، و الله که اگر جماع کند در این اوقات ، و پس او را فرزندى بهم رسید ، نبیند در آن فرزند چیزی را که دوست دارد ، زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده .

(همان کتاب ، باب خاتمه)

— از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله در حدیث معتبر منقول است که فرمود : چون شوهر بارنش محامعت کند ، دو ملک از ملائک آسمان او را احاطه کنند ، و مانند آن باشد که شمیر کشیده و در راه خدا جهاد کند (!) پس چون محامعت کند گناهان از او مریزد ، چنانکه برگ از درخت بریزد .

— و فرمود که : برزن لازم است هر وقت نوهش اراده جماع داشته باشد از او مخایفه نکند ، اگر چه سر پشت بالان شتر باشد .

— و فرمود : دختران با کره بخوابید که دهن هایشان خوشبو تر و رحمهایشان خنکتر و پستانهایشان پر شیر تر است . و منقول است که چون آن حضرت به خواستگاری زنی میفرستادند میفرمودند که گردنش را بگویند که خوشبو باشد و قوزک پایش پر گوشت باشد .

— و فرمود که : سر را بسیار شانه کردن تلب را دور میگرداند و روزی میآورد ، و قوت جماع را زیاده میکند .

— و فرمود که : نمیدانید ترکیب هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا و فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ و نمک هندی و نارمشک و قاقله و شفاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخه مقشرو علسک رومی و عاقرقرها و دارچینی و عسل ، که اگر از آن دو مثقال ناشتا و دو مثقال در وقت خواب بخورند ، چسبه اندازه قوت جماع میبخشد

— و فرمود که : مبادا کسی با زن خود جماع کند و پیش از آنکه زن آب بدهد او آب بدهد ، بلکه میباید به تأنی بکند و مکث بکند تا هردو با هم آب بدهند .

(حلیة المتقین ، باب چهارم ، فصول اول و دوم — باب پنجم ، فصل یازدهم — باب نهم ، فصل پنجم

— از حضرت امیرالمؤمنین علی بن السلام منقول است که هرگاه کسی را دردی در بدن بیهم رسد یا حرارت بر مزاجش غالب شود، پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود. (همین حدیث در فصل سوم از باب نهم طبیعه المتقین از امام محمد باقر نقل شده است) .

— و نیز فرمود که خوردن انجیر قوت محامضت را میافزاید، و دفع میکند بواسیر و نفوس را، و برای بادهای قولنج نافع است.

— و نیز فرمود که بخواه زن کندمگون فراخ چشم سیاه چشم بزرگ سرین و میانه بالا، پس او را نخواستی ببا و مهرش را از من بگیر.

— از حضرت امام محمد باقر (ع) منقول است که فرمود: دوست میدارم پنیر را که در طرف چاشت مضر ولی در طرف شب نافع است، و موجب قوت جماع میشود.

— و فرمود که: خوشم نمیآید که دنیا و آنچه را در آن است داشته باشم، اما یکشب بی زن بخوابم.

— و فرمود که با زن آزاد در برابر زن آزاد دیگر جماع مکن، اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست.

(همان کتاب، باب سوم،
فصول هفتم و هشتم، باب
چهارم، فصول اول و چهارم)

— حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود: سرمه به چشم بکشید که قوت جماع را زیاد میکند و دهان را شیرین میکند و کمک میکند بر طول دادن سجود (!)
و فرمود: نعلین سیاه میپوش که ذگر را سست

میکند ، و نعلین زرد ببوش که ذکر را سخت میکنند و پوشش
 پیغمبران است .
 و فرمود : پیغمبری از پیغمبران به حقتعالسی
 شکایت نمود از کمی قوت جماع ، حقتعالی او را امر
 فرمود که هریسه بخورد .
 و فرمود : هر که ترک کند طعام خوردن در شب
 شب و شب یکشنبه از پی هم ، قوت جماع از او برطرف
 شود و تا چهل روز به او برنگردد .
 و فرمود : جماع کردن با زنان پیریدن را خراب
 میکند ، و بسیار باشد که آدمی را بگشد .
 و فرمود که : قاووت خشک پیسی را زایل میگرداند ،
 و خوردن آن با زیتون گوشت را میرویانند و استخوان را سخت
 میکند و قوت جماع را زیاد میکند .
 و فرمود : بخورید خربزه را که قوت جماع را
 زیاد میکند .
 و فرمود : سنت پیغمبران است زنان بسیار داشتن
 و بسیار با ایشان مقاربت کردن .
 و فرمود : در خروس پنج خصلت هست که از خصلتهای
 پیغمبران است ، و از جمله آنها بسیار جماع کردن است .
 و فرمود که : مرد وزن درحالی که خضاب و حنا و
 غیر آن بسته باشند جماع نکنند .
 و فرمود : از مابین ناف تا زانو تمتع بردن از
 زنان مکروه است ، و بهتر آن است که اگر با زن خود که
 کنیز نباشد جماع کند منی خود را بیرون فرج نریزد .
 و فرمود که : نباید مرد را دخول کردن به زن خود
 در موقع تحت الشاع و در شب چهارشنبه .
 و فرمود : جماع مکن در اول ماه و میان ماه و
 آخر ماه ، و نمی بینی کسی را که صرح میگیرد ؟ اکثر
 برای آن است که جماع پدر و مادرش در اول ماه یسار

میان ماه و یا در آخر ماه واقع شده است .

و نیز آن حضرت پرسیدند : اگر کسی سه سست و انگشت یا فرج زن یا کنیز خود باری کند چون است ؟ فرمود که باکی نیست . اما چیزی دیگری را سست را حسی را بدن خود در آنجا داخل نکند (!)

و نیز از آن جناب پرسیدند که می توان در میان آب جماع کرد ؟ فرمود : باکی نیست ، ولی در کشتن جماع نکند .

(همان کتاب ، باب دوم ، فصول

سوم و نهم - باب سوم ،

فصول سوم و پنجم و هشتم

- باب چهارم ، فصول اول و چهارم)

- حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود : هر که

لذت جماع کردن با کنیزان را دریافت کند هرگز آسرا ترک نکند .

و فرمود که : چیز خوردن شراب را ترک نکنید که

غذای شریعت قوت بدن و قوت جماع است .

و فرمود که : گوشت قیره خوردن از برای دفع

بواسیر و درد پشت نافع است ، و کمک میکند بر بسیاری جماع .

و فرمود : خوردن کرر قوت جماع را زیاد میکند .

و فرمود که : اگر کسی فرج زن را بسوسد باکی نیست .

و از آن حضرت پرسیدند : قرآن خواندن و جماع کردن

در حمام چون است ؟ فرمود که بسیار خوب است .

(همان کتاب ، باب سوم ،

فصول سوم و هفتم و هشتم -

باب چهارم ، فصل چهارم -

باب هفتم ، فصل سوم)

— حضرت امام رضا (ع) فرمود که حدم حضرت صادق علیه السلام گاهی بعد از جماع و پیش از غسل محمداً اراده جماع مفرمودند ، و فقط وضو میساختند . و در فقه الرضا از آن حضرت منقول است که اگر بعد از غسل دادن میبوییش از آنکه خود غسل کرده باشی ، خواستی جماع کنی پس وضو ساز و بعد از آن جماع کن .

(همان کتاب ، کتاب چهارم ، فصل چهارم)

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از حماد ، و او از ربیع ، و او از فضیل روایت کند که حضرت امام ابی عبد الله صادق علیه السلام فرمودید : تا زمانی که مرد زنا کار روی شکم زن زنا کار باشد ایمان از او سلب شود ، و چون برخاست ایمانش بازگردد . عرض کردم : اگر دوباره قصد زنا کند چطور ؟ فرمود : نه ، چه ناممکن است قصد زنا دوباره بکند ، ولی نتواند .

(اصول کافی ، کتاب الایمان و الکفر ، باب الکفایر)

— اگر انسان جماع کند و با اندازه ختنه گاه بیاض سنتر داخل شود ، چه در زن باشد ، چه در مرد ، چه در قبل (جلو) باشد و چه در دبر (عقب) او ، چه بالغ باشد و چه نابالغ ، اگر چه منی بیرون نیاید ، هر دو حسب (نجس) می شود . ولی اگر شک کند که بمقدار ختنه گاه داخل شده یا نه ، غسل بر او واجب نیست .

— کسی که آلتش را بریده اند ، اگر کمتر از ختنه گاه راهم داخل کند (!) روزه اش باطل میشود .

— کسی که آلتش را بریده اند ، اگر شک کند که دخول شده یا نه (!) روزه او صحیح است .

— اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید ،
با ایمن شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه ، غسل
سرا و واجب است .

— اگر مرد با زنی که در حال حیض باشد زنا کند .
با بازن نامحرمی که در حال حیض باشد بگمان اینک که
عقال خود اوست جماع نماید ، احتیاط واجب آنست که
کفاره بدهد .

— اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض جماع کرده
و کفاره آبراداده دوباره با چند مرتبه با آن زن جماع
کند بنا بر احتیاط واجب باید برای هر جماع یک کفاره
بدهد .

— باید در زنی که در حال حیض است بمقتضای
خنده گاه را داخل نکند اگر چه منی هم بیرون نیاید ،
و احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از خنده گاه
را هم داخل نکند ، دخول کردن در دسر (مقعد) زنی که
در حال حیض است نیز گناهت شدید دارد ، ولی کفاره
ندارد .

— اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم
شود ، و مرد در قسمت اول آن با زن خود جماع کند باید
هیچده نخورد طلا کفاره بدهد ، و اگر در قسمت دوم جماع
کند نه نخورد ، و اگر در قسمت سوم جماع کند چهار نخورد
و نیم بدهد ، ولی وظی در دُبر (پشت) او کفاره ندارد .

(آیه اله خمینی ، توضیح)

المسائل ، در مسائل متفرقه

زنا شوئی و محامه است)

در احکام طفل

— و از زمره این احکام است که : بی از تولد طفل ، خاک گریلا علی ساکنها النحیة و التناهیة کام طفل بمالند ، و اگر خاک گریلا بیاند از آب دحله و فسرآت ... و اگر آن سز نباشد خرما با غسل در آب ریزند تا شیرین شود و به کام او بمالند ، و مستحب است که خرما را بخایند و کام طفل بمالند .

و سوراخ کردن گوش راست طفل در پائین و سوراخ کردن گوش چپ را در بالا .

و لازم است خوردن به ، زن حامله را ، چه در حدیث آمده که هر زن حامله ای که به بخورد طفل او خوب روی و خوش طبع شود . و خرما خوردن زن حامله را در وقت دیدن نفاس ، چه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که فرزندان او در این حالت از حکما گردد ، و در بعضی احادیث وارد شده که اگر رطب خورد فرزندان او حکیم شود .

و لازم است پیچیدن طفل به خرجه سفید .

و مکروه است کنیت کردن ابوالقاسم طفلی را که نام او محمد کرده باشند و بعضی از محتهدین این را حرام میدانند .

و مکروه است نام طفل را حکیم یا خالد یا حارث یا ضرار یا مالک کردن .

و مکروه است کنیت طفل را ابو حکیم یا ابومالک یا ابوعیسی کردن .

و مکروه است موی سر طفل را اندکی تراشیدن
و اندکی گذاشتن .

و نثر مکروه است استخوان گوسفند یا تیر عقیقه
را شکنی ، که اعطای آنرا حد نباید کرد .

و مکروه است که طفل را زن کافره ای نسردهد ، اما
اگر محظربود زن حیوودند میتواند سر دهد بشرطیکه
اورا از خوردن شراب و حوک منع نماید کرد . و کراهت
در زن محوسه بیشتر است .

و مکروه است که نثر ولدالزنا باشد ، یعنی سر
سردهنده از زنا بهم رسیده باشد .

(جامع عباسی ، باب نادم ،
در احکام ولادت فرزندان
و احبوست و مکروه)

— در حدیث است که دختری که شش سالش تمام شود ،
مادر او را برهنه در بهلوی خود نخواست باند که بمنزل
زنا است (!)

(حلیة المتقین ، باب
چهارم ، فصل بیازدهم)

— امام صادق علیه السلام فرماید : کودک تا هفت
سال بازی میکند ، هفت سال هم درس میخواهد و نوشتن
مبأ موزد ، و هفت سال حلال و حرام دین را فرامیگیرد ،
پس اگر رستگار شد چه بهتر ، وگرنه تربیت پذیر نیست .

(نکاح المستدرک ، اسباب
احکام الاولاد ،
باب هشتماد و سوم)

— رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود : حی سر بر بدر سه حیزاست : اول آنکه بام بگو سراو سهد ، دوم آنکه خط تعلیمش دهد ، سوم آنکه خون بالغ بود ترویجش کند .

(همان کتاب ، باب نهم)

— پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود : حی سر بر بدر این است که بام رینا سراو بگذارد ، فرآن ساو سا موزد ، خنده اش کند ، شاتعلیمش دهد ، وهنگام بلوغ ترویجش نماید .

(همان کتاب ، باب هشاد و ششم)

در احکام دخول بر حیوانات

— در این صورت تراولازم است : اول ضامن قیمت آن حیوان است که به صاحبش دهد ، دوم حرام شدن گوشت آن حیوان و آنچه از او متولد میشود اگر گوشت او را خورند ، سوم کشتن و سوزانیدن آن حیوان اگر گوشت او را خورند ، چهارم بیرون آوردن آن حیوان از آنجائی که دخول واقع شده به شهردیگر اگر گوشت او را بخورند .

و آیا در اینکه قیمت آنرا به صاحبش میدهد یا خود متصرف میشود یا تصدق میکند ، میانه محتهدین اختلاف است . و اگر آن حیوان با حیوانات دیگر مشتبه و مخلوط شده باشد ، درین صورت جمیع آن حیوانات را دو قسم کنند و قرعه بزنند و اینکار را همچنان ادامه

دهد تا آنکه یکی نماید، و او را سوراخند .

(جامع عباسی ، باب سوره هم ،

در دحوال کردن بر حیوانات)

— اگر حیوانی را وطنی کند یعنی با او نزدیکی

نماید و منی از او بیرون آید غسل تنیها کافی است .

و اگر منی بیرون نیاید ، چنانچه پیش از وطنی وضو

داشته باز هم غسل تنیها کافی است ، و اگر وضو نداشته

احتیاط واجب آن است که غسل کند ، وضو هم بگردد .

— مکروه است بول و غایط حیوانی که اسان آنرا

وطنی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده است .

— اگر کسی با اسب و قاطر و الاغ وطنی کند یعنی

نزدیکی نماید گوشت آنها حرام میشود ، و باید آنها

را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند .

— اگر ناگاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند بول و

سرگیس آنها نجس میشوند و باید بدون آنکه تاخیر بیفتند

آن حیوان را بکشند و سوزانند .

(آیه اله خمینی ، توضیح

السائل ، مسائل ۸۶ ، ۲۵۱ ،

(۲۶۳۱ ، ۲۶۳۲)

در احکام شکار و ذبح

— بدانکه شکار حرام است اگر با آلتی که از

خود شکار بزرگتر باشد شکار شود، و حرام است شکار کردن

به غیر از سگ و تبر و نیزه و شمشیر ، پس شکار کردن با

زوباشه و خرخ و پارس و پلنگ و کمان گروهه و گوفتن سر

شکار به تفنگ حرام است ، و شکاری که کافر و دشمن

اهل سنت و دیوانه و طفل غیر ممیز بکشد حرام است ،
و سر شکار کردن در حرم مکه و مدینه حرام است (!) .
و مکروه است شکار کردن به سگی که او را آتش
سرسن تعلیم کرده باشد ، و شکار کردن به سگ سبزه ،
و بعضی از محدثین این قسم شکار کردن را مطلقاً حرام
میدانند حد از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مفسول
است که مفرمود گوشت شکاری را که سگ سبزه گرفته باشد
نباید خورد ، و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
امر به کشتن سگ سبزه کرده اند . و مکروه است شکار
کردن ماهی در روز و شب جمعه .

و بعضی از محدثین بر آنند که اگر آن شخصی که
سگ را سر میدهد مسلمان باشد و کور باشد حلال نیست ،
و اگر با سگ مسلمان سگ غیر مسلمان نیز باشد و هر دو سگ
شکار را بکشند حلال نیست ، و آیا در وقت سردادن شکار
نام خدای تعالی را به عربی گفتن لازم است یا به ربانی
گویند جایز است ؟ در این اختلاف است مابین محدثین .
و اگر حیوانی را که شکار شده باشد به شمشیر دو نصف
کنند نصف بزرگتر حلال است و بعضی از محدثین بر آنند
که اگر دو نصف یکی حرکت کند و یکی حرکت نکند آن نصفی
که حرکت کند حلال است ، و اگر ماهی از دریا به کشتی
کسی در آید مالک آن نمی شود بلکه به گرفتن او از دیگری
اولی است .

و گوشت شتر حلال است ، و بعضی از بنیان گفته اند
که مذهب امامیه بر آن است که گوشت شتر حرام است ،
و غلط کرده اند ، چه آن مذهب ابوالخطاب است که او در
وقتی امامی بوده و بعد غالی شده است .

و اما گوشت بیست قسم حیوان حرام است : اول

سگ سری و بحری ، دوم خوک ببری و بحری ، سوم گربه
اهلی و وحشی ، چهارم همه درنده ها چون شیروگرگ

و پلنگ و پارس و کفتار و روباه و خرگوش (!) و شغال .
پنجم موش اهلی و صحرائی . ششم خز و سنجاب و سمور
و فنک . هفتم حشرات چون مار و عقرب و خسفار و مگس و
کیک و پشه و شیش و غیر آنها . هشتم حیوانی که عادت
به خوردن فضله آدمی کرده باشد ، اعم از گاو و گوسفند
و مرغ خانگی و ماهی (!) و اردک . نهم حیوانی که
گوشت او را خورند چون گوسفندی که به شیرخوک پرورده
شود . دهم حیوانی که گوشت او را خورند و شخصی با او
وطی و مقاربت کند ، که آن حیوان و نسل او حرام است
و واجب است سوزانیدن آن حیوان . و اگر چنین گوسفندی
در میان گله مشتبه شود آن گله را دو قسم کنند و قرعه
بزنند (!) و یک قسم را بسوزانند . یازدهم هر پرند
که مخلب یعنی چنگل داشته باشد چون باز و چرخ ، و عقاب
و شاهین و یاشه و غیر اینها . دوازدهم کلاغ یا جمیع
اقسام او ، و زاغی که خاکستری رنگ است . سیزدهم خفاش
و طاووس . چهاردهم مرغی که او را نشانه تیرمیسازند
تا آنکه میمیرد . پانزدهم ماهی که فلوس نداشته
باشد شانزدهم سنگ پشت . هفدهم خارپشت هیجدهم
خرچنگ ببری و بحری . نوزدهم گوشتی که در زیر سپرز
بریان کنند . همچنین حرام میشود اگر ماهی حلال و ماهی
حرام را با هم بریان کنند بشرطی که ماهی حرام بر بالای
ماهی حلال باشد ، اما اگر ماهی حلال بر بالای ماهی حرام
باشد حرام نیست .
و حرام است ماهی را شکار کردن در روز جمعه پیش
از نماز . و شکار ملخی که به پرواز نیامده باشد . و
حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمود که شکاری را که سگ

سیاه بیکرنگ بکند نخورید .

— واما از جمله مکروهات است : گوشت کلاغی
کوچک که درحوالی زراعت میباشد ، وزاغی که به رنگ
خاکستر باشد ، وهد هد ، وخطافچه در حدیث آمده که
خطاف همیشه الحمد لله رب العالمین میگوید ، وقبره یعنی
چکاوک چه در حدیث آمده که قبره را نباید خورد و بیه
طفلان نباید داد که بآن بازی کنند ، زیرا که او همیشه
تسبیح میگوید ولعن بردشمنان اهل بیت میکند ، وفاخته ،
وجباری ، و صرد ، و صوام که مرغیست درازگردن گردآلود
رنگ که بر درخت خرما میباشد ، وشقران ، زیرا در حدیث
آمده که اومار را میکشد .

و بول هر حیوانی حرام است سوای بول شتر جهت شفا ،
و همچنین حرام است منی و فضلات و سرگین ایشان ، و حرام
است خوردن شاخ و سم و دندان و ناخن ایشان ، و حرام است
خوردن ذکر حیوانات و فرج حیوانات و نیز هردو خایه که
منی در آن جمع میشود ، و مثانه یعنی محل بول او ،
و حدقه و آن سیاهی است که در چشم میباشد ، و حرام است
خوردن زهرهای کشنده (!) و بینگ خوردن نیز حرام است .
و اگر کسی را احتیاج به این چیزهای حرام بهم رسد مثل
آنکه در صحرائی واقع شود و چیزی دیگر نباشد که بخورد
در این صورت جایز است آنقدر بخورد که سد رمقا و شود .
و اگر از تشنگی محتاج به خوردن بول باشد نیز میتواند
خوردن بول خود یا بول غیر را . ولی مکروه است خوردن
آبهائی که بوی کبریت از آن آید .

(جامع عباسی ، باب های
سیزدهم و چهاردهم : در اقسام
شکار از واجب و حرام و سنت ،
و شروط و احکام شکار ، و اقسام
ذبح از حرام و مکروه
و سنت و مباح)

— گوشت حیوان حلال گوشت که طبق موازین شرعی ذبح شده باشد حلال است ، ولی گوشت حیوانی که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده ، حلال نیست .

— اگر آهو و جهاش را که نمیتواند فرار کند با یک تر شکار نمایند ، آهو حلال و جهاش حرام است .

— حیوان حرام گوشتی که خون حیثه ندارد مانند مار یا سربریدن حلال نمیشود ، ولی مرده آن پاک است .

— کسیکه سر حیوان را میبرد ، چه مرد و چه زن ، باید دشمنی با اهل بیت پیغمبر نداشته باشد . — سر حیوان را باید با چیزی که از آهن باشد ببرند ، ولی چنانچه آهن پیدا نشود با ششه و سنگ تیز میتوان برید .

— مستحب است در موقع بریدن سر گوسفند دو دست و یکپای او را ببندند و پای دیگرش را باز بگذارند ، و موقع بریدن سر گاو و چهار دست و پایش را ببندند و دمش را باز بگذارند ، و موقع بریدن سر شتر دو دستش را از پائین تا زانو یا تا زیر بغل بیکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند .

— اگر با سگ غصی یا اسلحه غصی حیوانی را شکار کنند شکار حلال است ولی باید اجرت اسلحه یا سگ را به صاحبش بدهند .

— ماهی مرده ای که معلوم نیست آتراننده از آب گرفته اند یا مرده ، چنانچه در دست مسلمان باشد حلال است و اگر در دست کافر باشد حرام است .

— خوردن ماهی زنده اشکال ندارد .

— اگر ملخ را با دست یا بوسیله دیگری زنده بگیرند ، بعد از جان دادن خوردن آن حلال است ، ولی اگر ملخ مرده ای در دست کافر باشد ، حلال نیست .

— خوردن سرگین و آب دماغ حرام است . ولی اگر مقداری از آن بطوری با چیز حلال مخلوط شود که در نظر

مردم نابود حساب شود خوردن آن اشکال ندارد .
— خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است ، و
اگر کسی با آنها وطی کند یعنی مقاربت نماید حرام
میشوند .

— اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند بیول
و سرگین آنها نجس میشود و آنها میدن شرآنها هم حرام
است ، و باید بدون آنکه تأخیر بیفتد آن حیوان را
بکشند و بسوزانند . بلکه اگر به حیوان دیگری هم
نزدیکی کنند شیر آن حرام میشود .

— گوسفند و حیوانات دیگر را اگر ذبح کنند بسا
کارخانه ها و مکینه‌هایی که اخیراً در بعض بلاد متعارف
شده است حرام و مردار و نجس است ، چه کلید برقی را
مسلمان بزند و تسمیه بگوید و از حلقوم ببرد یا نه ،
چه برسد بآنکه این امور نیز مراعات نشود .

(آیه‌اله خمینی ، توضیح
المسائل ، احکام سرسریدن
و شکار کردن حیوانات ،
احکام شکار کردن ، سگ و
صید ماهی و ملخ ، مکروهات)

درا حکام خوردن و نوشیدن

— اما آنچه تعلق به طعام خوردن دارد هفتاد و
چهار امر است : یک امر واجب ، و چهل و چهار امر مستحب ،
و چهار امر حرام ، و بیست و پنج امر مکروه . اما یک امر
واجب آن است که اگر در ظرف طلا کوب و نقره کوب طعام
خورند دهن را از موضع طلا و نقره بگردانند .

اما از جمله اموری که مستحب است : اول پاک نکردن دست خود به منديل پيش از طعام خوردن ، چه در حديث ائمه معصومين سلام الله عليهم اجمعين وارد شده که تا رطوبت در دست باشد برکت در آن طعام هست ، دوم نشستن بر زانوی چپ در حالت طعام خوردن ، سوم به سه انگشت طعام خوردن ، چهارم انگشتان خود را بسيدن . پنجم به مردم نگاه نکردن در حالت طعام . ششم هردو دست را بعد از طعام شستن و بعد از شستن به ابروی خود ماليدن . هفتم آبھائی را که از دست شستن بهم ميرسد در يک ظرف جمع کردن . هشتم بعد از خوردن طعام بر پشت افتادن و پاي راست را بر بالای پای چپ نهادن ، نهم پيش از طعام ابتدا به نمک کردن و بعد از طعام ختم به سرکه يا نمک نمودن . دهم دهن را بعد از طعام به سعد يعنی به مشک زمين که به ترکی بتلاق گویند شستن ، چه در حديث آمده که بواسير را نافع است وقوه جماع نیز میدهد . یازدهم شب سير خوابيدن مرد پير که هر گاه مرد پير شب بخوابد وشکم او سير باشد با عسل آن ميشود که شب خواب کند وبوی دهن او نیک شود . دوازدهم بعد از گذاردن نماز خفتن چیزی خوردن ، که اين از عادت پيغمبران است . سیزدهم خوردن پاره نان که در رهگذر یافته باشند ، چه در حديث آمده که اگر نجس باشد و آنرا بشويد و بخورد هفتاد حسنه در ديوان اعمال او نوشته شود .

اما از جمله آن بيست و پنج امري که مکروه است : اول بعد از طعام هرگاه آروغ زند سر بسوی آسمان

کردن . دوم مربع نشستن در وقت طعام خوردن ، چه در حدیث آمده که مربع نشستن (چهارزانو) را خدایتعالی دوست نمیدارد . سوم طعام خوردن بدست چپ یا اختیار . چهارم طعام خوردن در حالی که راه روند . پنجم اجابت کردن دعوت طعامی که جهت ختنه دختران پخته باشند . ششم نان را به کارد بریدن . هفتم پاک کردن استخوان از گوشت ، چه در حدیث آمده که جنیان را در آن نصیبی هست ، پس اگر تمام گوشت او را بخورند آنها هم از روی لج آنچه در آن خانه بهتر است میبرند . هشتم مرد پیر را اگر سینه خوابیدن در شب . نهم ترک طعام شب چه در حدیث آمده که هر کس که شب شبانه و شب یکشنبه شام نخورد قوت از او می رود و تا چهل شبانروز باز نمی آید . دهم به دو انگشت طعام خوردن با اختیار . یازدهم خلال کردن به چوب درخت خرما و نسی ریحان ، چه اینها سبب جذام میشود . دوازدهم ماهی خوردن ، چه در حدیث آمده که خوردن گوشت ماهی بدن را میریزاند . سیزدهم پنیر بی مغز گردو و گگردو بی پنیر خوردن . چهاردهم گوشت قاق خوردن . پانزدهم گوشت گندیده خوردن . شانزدهم از چیزی که موش از آن خورده باشد .

(جامع عباسی ، باب پانزدهم ،
 در بیان اقسام طعام خوردن از
 واجب و حرام و سنت و مکروه ، و
 آداب طعام خوردن)